



په اروپا کی دمیشته افغانانو د تولنو فدراسیون

فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا

Federation of Afghan Refugee Organizations in Europe

از دیاد تلفات ملکی و سودجویی ملیشیه سازان

۲۶ جولای ۲۰۱۵

طبق گزارش مؤرخ ۱۲ اپریل ۲۰۱۵ یوناما، تلفات ملکی در سه ماه اول سال جاری میلادی ۲۱۸ کشته و ۵۰۰ زخمی در هر ماه را نشان میدهد. این تعداد ۸ فیصد افزایش را نسبت به سه ماه اول ۲۰۱۴ نشان میدهد. مسولیت ۷۳ فیصد تلفات ملکی درین دوره به حملات نیروهای مخالف دولت نسبت داده شده است. تزايد فیصدی تلفات زنان و اطفال رقم درشت تر یعنی ۱۵ فیصد را نشان میدهد. بیشترین تلفات در سه ماه اول ۲۰۱۵ را اطفال با ۱۲۳ کشته و ۳۰۷ زخمی داده اند. در سه ماه دوم ۲۰۱۵ با خراب شدن بیسابقه وضع امنیتی در مرکز و ولایات، فیصدی تلفات ملکی به گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان بیشتر از ۴۰ فیصد افزایش نسبت به سه ماه دوم سال ۲۰۱۴ را نشان میدهد. دلایل افزایش فیصدی تلفات ملکی را میتوان در نکات ذیل خلاصه نمود:

الف: غفلت دولت افغانستان (تحت رهبری کرزی و بعداً غنی) در قسمت جلوگیری از صدور پلان شده گروه های ذخیره دهشت افکن متعلق به کشورهای ماورای آمو و قراقروم از وزیرستان به شمال افغانستان توسط آی. اس. آی.

ب: نبودن یک استراتژی واقعیانه در رابطه با طالبان پاکستانی که خود را در پاکستان مصون احساس نمیکردند و از اوایل ۲۰۱۴ بدینسو در ولایات نورستان، کنر و بخش هایی از ننگرهار جابجا شدند. این گروه ها با وضع مقررات اختناق زندگی عادی مردم این مناطق را برهم زده و بخصوص پس از پیوستن به داعش زمینه ساز جنگها در مناطق مسکونی و تلفات ملکی شدند.

ج: حملات دسته های بزرگ طالبان و داعش برای اشغال برخی ولسوالی ها در شمال و شرق افغانستان که مناطق مسکونی را نیز احتوا میکرد.

د: جنگ قدرت میان طالبان و داعش بر سر تسلط بر مناطق گوناگون. درین جنگها مناطق زیست مردم ملکی به میدان جنگ تبدیل میگردد. عده زیادی از مردم ملکی درین جنگها کشته و زخمی میشوند. خونریزی و اختناق ماورای قرون وسطایی داعشی زندگی مردم را چنان تلخ میسازد که مجبور به ترک خانه و کاشانه خویش میشوند. بطور مثال مردم ولسوالی اچین ولایت ننگرهار به همین علت به ترک خانه و کاشانه خویش دست زدند. درین جنگ قدرت، دولت بعوض دفاع از جان و مال مردم ملکی و سرکوب دشمنان، نقش تماشاجی را بازی میکند.

و: ضعف تسلیحاتی و سوء مدیریت نیروهای امنیتی دولتی. بطور مثال فاجعه وردوج و جرلیز به ادامه اقتضاح قتل فرخنده به وضاحت نشان داد که ارگانهای امنیتی افغانستان از سوء اداره، فقدان انضباط نظامی، ضعف شدید هماهنگی و فقدان سیستم فعال مبادله اطلاعات رنج میبرند، و بهمین جهت وقتاً فوقتاً فاجعه می آفرینند. عدم رسیدگی به درخواستهای کمک عاجل قطعات پولیس و اردو، باعث سقوط برخی پوسه های امنیتی و دفاعی و افتادن سلاح های سنگین شان بدست دشمن میگردد. آنگاه گروه های طالبان و داعش به تاخت و تاز بالای مردم ملکی مناطق بیشتر پرداخته و بعد از کشتار های وحشیانه مردم را مجبور به پرداخت عشر و تغذیه افراد مسلح گروه های خویش و تبعیت از دستورات اختناق آور خویش میسازند.

تسلط قسمی طالبان و داعش بر مناطقی از ولسوالی های ولایت شمال، جنگسالاران این ولایات را که از سال ۲۰۰۲ بدینسو حاکمیت بلا منازع در شمال کشور برقرار نموده و با استفاده از آن از دولت مرکزی پُستهای مهم و از خارجها امتیاز اجرای پروژه های بزرگ را جزیه میگرفتند، اکنون انحصار قدرت خود در شمال کشور را در خطر میبینند. آنها اهداف واقعی خود را تحت شعار "دفاع از مردم" پوشانده و برای رسیدن به آن اهداف به اتحادهای مصلحتی تنظیمی پرداخته اند تا مشترکاً از منافع خویش دفاع کنند. مثلاً عطا محمد نور - دوستم - محقق دقیقاً به همین منظور بوجود آمده است. از جانب دیگر این زورمندان با پیش کشدن همان شعار کوشش میکنند محمد اشرف غنی را وادار به عقب نشینی و مجاز دانستن ملیشیه سازی نمایند. اگر اینکار صورت بگیرد، این افراد میتوانند با پول و اسلحه دولت افغانستان برای دفاع از منافع شخصی و تنظیمی خود لشکرهای شخصی - تنظیمی بسازند. کمپاین دوستم در فاریاب، خواست مسلح ساختن تمام مردم مناطق هزاره نشین توسط محقق، اظهارات عبدالله عبدالله درگردهمایی قوماندانان در بلخ مبنی بر اینکه "نیروهای امنیتی به تنهایی توان دادن پوشش به خلای امنیتی در ولایات را ندارند" و خواست صلاح الدین ربانی از دولت، در گردهمایی ۲۰ جولای بدخشان مبنی بر "ضرورت استفاده از همکاری مجاهدین" در دفاع از مردم شمال، و بالاخره توزیع غیر قانونی، اجباری و مخفی اسلحه توسط محافل معلوم الحال در ولسوالی های امن بدخشان، مظاهری اند

از اقدامات نیروهای تنظیمی برای احیای قدرت نظامی علنی تنظیمی شان.

پالیسی رسمی فعلی شورای امنیت ملی در زمینه ملیشه سازی را محمد محقق بتاريخ ۲۱ جولای ۲۰۱۵، طی مصاحبه با طلوع نیوز در عکس العمل به این اظهارات نماینده وزارت دفاع که "به هیچکس اجازه توزیع سلاح داده نخواهد شد" چنین توضیح میکند: "در چوکات خود دولت افغانستان ما فیصله داریم که جایی که ضرورت می شود، پولیس اربکی ایجاد می کنیم. ولی پولیس اربکی را باید جایی که خطر ایجاد می شود سریع ایجاد کنیم و دیگر این که اگر جایی ضرورت می شود که پولیس اربکی هم آن جا نداریم خیزش های مردمی را حمایت می کنیم. حرف ما حرفیست که نظام ما در چوکات پروگرام ها و باستراتژی های حکومت ما مطرح شده است. ما در همان راستا کار می کنیم." در رابطه با این نکات به آقای محقق سوالات ذیل را مطرح میکنیم:

- اکنون که شما درحکومت مرکزی افغانستان معاون دوم ریاست اجراییه میباشید، برای شما زبینه ترخواهدبود اگر از همه مردم افغانستان دفاع کنید. فکر نمیکنید که چسپیدن دولتمردان ما بیک قوم یا یک حوزه، خمیرمایه بی تباتی سیاسی دایمی برای افغانستان باشد؟

- چرا باوصف موقف مهم تان در تشکیلات دولتی کنونی، خواستار مسلح شدن مردم ملکی مناطق معین شدید؟ آیا شما به نیروهای مسلح دولت خودتان که فرزندان مردم مناطق مرکزی و شمال نیز در آن سهم قابل ملاحظه دارند، اعتماد ندارید؟ فاجعه جریز و جنایت جنگی طالبان در آنجا، واقعاً برای همه ما تکان دهنده بود. اما وزیر داخله که مسئولیت سیاسی این فاجعه را دارد، متعلق به تیم خودتان است. چرا به عوض فشار آوردن بالای او برای اصلاح وزارتش، خواستار مسلح ساختن مردم ملکی میشوید؟ اگر همه اقوام مسلح شوند، آیا خطر یک جنگ داخلی دیگر را پیش بینی نمیکنید؟

- ایجاد پولیس اربکی در حین ضرورت، صرف نظراز اشتباه بودن و بحران آفرین بودن آن، کار وزارت داخله است. پولیس اربکی معمولاً از مردانیکه در همان محل سکونت دارند توسط قوماندان پولیس ولایت انتصاب میشود. اصولاً باید این انتصاب به اساس معیارهای لازمه دفاعی صورت بگیرد، نه براساس تعلقات تنظیمی. پس کمپاین شما بحیث رهبر حزب وحدت مردم افغانستان، برای مسلح سازی مردم ملکی مناطق مرکزی چه ارتباطی با ساختن پولیس اربکی توسط حکومت دارد؟ نکند تشکیل پولیس اربکی پوششی باشد برای ملیشه سازی تنظیمی. موجودیت گروه ملیشیه ۵۰۰ نفری قوماندان پیرم قل ضیایی، که اخیراً در برابر او تظاهراتی در ولسوالی رستاق ولایت تخار انجام یافت، این سوء ظن ما را تقویت میکند.

سفرها، تبلیغات و نمایشاتی که اخیراً دوستم، محقق، عطا محمد نور وصلاح الدین ربانی تحت نام دفاع از مردم ملکی به راه انداخته اند، یک هدف را دنبال میکند: تبلیغ ضرورت مسلح سازی مجدد ملیشهای وفادار به تنظیمها و معتاد به سودجویی از، و زور گویی بالای مردم بی پناه ملکی. تجربه ۳۵ سال اخیر افغانستان نشان میدهد که این لشکرهای شخصی-تنظیمی صرف از مالک و تنظیم خویش دفاع خواهند کرد و زمینه جنگهای مجدد داخلی را فراهم خواهند ساخت. پالیسی شورای امنیت مبنی بر ایجاد به اصطلاح پولیس اربکی و پشتیبانی از باشندگانی که در دفاع از مردم مناطق شان قیام میکنند، اگر از تنظیمبازی های ن کیشوتهای وطنی ما جدا نگردد و منحصر به حالات استثنایی ساخته نشود، زمینه ساز شکل گیری دوباره لشکر های شخصی-تنظیمی آن جنگسالارانی میگردد که خونهای ریخته شده توسط لشکر های قبلی شان هنوز هم در دیوارهای ویرانه های کابل و حافظه های قربانیان تازه اند.

کمیته حقوق بشر فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا (فارو)